

سندی از کارنامه رژیم پهلوی

غفار رحمتی*

زمانه ، شماره ۵۹

آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، که در مردادماه ۱۳۵۷ رخ داد، به صورت وسیعی در مطبوعات داخلی و خارجی آن زمان انعکاس یافت و تاکنون اخبار و مطالب زیادی به صورت مقاله یا کتاب درخصوص آن نوشته شده، با این حال درباره علل و عواملی که باعث شده است این حادثه به وجود آید و اینکه چه کسانی در روی دادن آن مؤثر بوده‌اند نظرها متفاوت می‌باشد.

سند ارائه‌شده در این نوشتار توسط یکی از شهروندان آبادانی به وزیر دادگستری وقت نگاشته شده است. او در این سند با استفاده از مطالب روزنامه‌ها و مشاهدات و دریافت‌های خود ماجرا را تحلیل نموده و در همان زمان رونوشت نامه خود را برای روزنامه‌های کیهان و اطلاعات هم ارسال کرده است. طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده این سند در هیچ یک از این روزنامه‌ها به چاپ نرسیده است. وزیر وقت دادگستری نیز به هیچ یک از سؤالات مطرح‌شده در نامه، پاسخی نداده و فقط در حاشیه آن نوشته است: «بایگانی شود».

تاکنون کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های بسیاری درباره علل و عواملی که به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ منجر شد تألیف شده است. با این حال عظمت این کار ستیغ همچنان پژوهشگران را به تحقیقات بیشتر در مورد آن فرا می‌خواند. حوادث مختلفی همچون قیام ۱۵ خرداد، تبعید امام‌خمينی(ره)، دستگیری و شکنجه یاران امام در زندان‌های رژیم شاه هم‌زمان با ایام تبعید ایشان، شهادت سیدمصطفی خمینی، انتشار مقاله توهین‌آمیز رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات، کشتار ۱۹ دی مردم قم، مراسم چهلم‌های پی در پی در شهرهای مختلف کشور، و سرانجام تظاهرات گسترده خیابانی مردم و ورود امام‌خمينی به ایران در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به پیروزی نهایی مردم در ۲۲ بهمن‌ماه همان سال انجامید. در این نوشتار هدف بررسی هیچ یک از موضوعات فوق نیست، بلکه سندی نویافته از فاجعه سینما رکس آبادان ارائه خواهد شد به این امید که یاریگر پژوهشگران در نگرش جامع‌تر به این موضوع باشد. این حادثه به سهم خود در گسترش اعتراض اجتماعی مردم در ماه‌های باقی‌مانده از عمر رژیم پهلوی تأثیر چشمگیری داشت.

رویداد تلخ و فاجعه‌آمیز آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که در ساعت ۲۱ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۵۷ هم‌زمان با بیست‌وپنجمین سال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد، به صورت وسیعی در مطبوعات داخلی و خارجی انعکاس یافت، به طوری که روزنامه‌های آن زمان از جمله کیهان و اطلاعات، فردای آن روز با انتشار اخبار و تصاویر سوخته‌شدگان حادثه هولناک سینما رکس آبادان عمق فاجعه را به افکار عمومی نشان دادند، بیشتر سینماهای معروف به خاطر همدردی با بازماندگان حادثه تعطیل شدند و همچنین مطبوعات و خبرگزاری‌های خارجی از جمله آسوشیتدپرس، یونایتدپرس و خبرگزاری فرانسه این موضوع را در صدر اخبار خود قرار دادند. حکومت وقت بی‌درنگ با یادآوری حملات اخیر مردم به سینماها، مسئولیت حادثه را به گردن مخالفان انداخت و از سوی دیگر، مخالفان نیز ساواک را به ترتیب دادن

آتش‌سوزی، قفل کردن درهای سینما و کارشکنی در اقدام به موقع اداره آتش‌نشانی محل متهم کردند. آنان همچنین یادآوری نمودند که تظاهرکنندگان، فقط به سینماهای خالی و نمایش‌دهندگان فیلم‌های مستهجن خارجی حمله می‌کنند. در حالی که این سینما یک فیلم ایرانی آشکارا انتقادی دربارهٔ جامعه معاصر به نمایش گذاشته بود. بی‌شک یکی از حوادثی که تأثیر بسزایی در سریع‌تر به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی داشت حادثهٔ تلخ و ناگوار آتش‌سوزی سینما رکس آبادان بود که در آن صدها انسان بی‌گناه و مظلوم سوزانده شدند. رژیم منحوس پهلوی با این اقدام می‌خواست تبلیغی مؤثر علیه نیروهای انقلابی به راه اندازد، اما غافل از اینکه این کار آن‌ها را در سرراشایی سقوط انداخت و در نهایت این حادثه بر ضد آن‌ها تمام شد.

سند ارائه‌شده اخیراً در یکی از بایگانی‌های راکد قوه قضائیه یافت شده است. در این بایگانی‌ها اسناد ارزشمند بسیار دیگری راجع به موضوعات مختلف تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی وجود دارد که امید است مورد بهره‌برداری کامل قرار گیرند. همچنان‌که در متن سند ملاحظه خواهد شد، نگارنده در جای جای نوشتهٔ خود وزیر وقت دادگستری را خطاب قرار داده و خواهان پاسخ‌های وی در جواب سؤالات خویش شده است. جالب است بدانیم که این وزیر به هیچ یک از سؤالات مطرح‌شده در نامه، پاسخی نداده و فقط در حاشیهٔ آن نوشته است: «بایگانی شود.» مسلماً آنچه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاد پاسخی به همین سؤالات و سؤالات بسیار دیگر از همین نوع بود. مطالب سند خود گویاست و به نظر نمی‌رسد که به دادن توضیحات بیشتر در مورد آن نیازی باشد.

نمایشنامهٔ آتش‌سوزی سینما رکس آبادان

آقای وزیر دادگستری:

من به عنوان یک انسان، یک ایرانی، یک آبادانی و بالاخره یک برادر و خواهران سوزانده‌شده در سینما رکس آبادان به شما و دادگستری شما که مرجع رسیدگی به جرایم است اعتراض می‌کنم. خصوصاً به شما که رئیس این مرجع به اصطلاح داد هستید. آقای وزیر با وجودی که وعده‌های آزادی به مردم ما داده‌اند، ولی هنوز از فریفتن و انحراف فکری مردم دست برنداشته‌اند. خود شما که وزیر مهم‌ترین وزارت دولتی هستید حقایق را لوٹ می‌کنید، نمایشنامه برای آتش‌سوزی آبادان ترتیب می‌دهید و بعد عاملی بر آن می‌تراشید. بگذریم، فکر می‌کنیم که شما درست می‌گویید، بیا با همدیگر سری به مطالب روزنامه‌های کیهان و رستاخیز بزنیم تا ببینیم در این ورق‌پاره‌ها که جزء مطبوعات و رکن چهارم مشروطیت است چه نوشته شده و بعد با هم نتیجه‌گیری کنیم. این نمایش واقعی را در پنج قسمت خواهیم دید:

۱- تعداد سوزانده‌شدگان؛ ۲- علت آتش‌سوزی؛ ۳- جریانات آتش‌سوزی از زبان نجات‌یافتگان؛ ۴- مطالب اظهارشده به وسیله شاهدان عینی و سایرین؛ ۵- عامل فاجعهٔ این نمایشنامه.

پردهٔ اول: تعداد سوزانده‌شدگان

کیهان ۲۹ مرداد صفحه ۲: تصویری از سینما رکس آبادان و موقعیت آن نشان داده شده و در زیر آن نوشته شده که: این سینما ظرفیت نصد نفر را داشته است.

کیهان ۳۱ مرداد صفحه ۲: از قول رئیس شهربانی: «سالن سینما گنجایش ۷۰۰ تا ۷۵۰ نفر داشته است، شهود مختلف متذکر شدند که سالن کاملاً پر از تماشاچی بوده است.»

رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۲: حادثه در ساعت ده و سی دقیقه بعد از ظهر شنبه در سینما رکس آبادان در حالی که نزدیک به هفتصد تن مرد و زن و کودک سرگرم تماشای فیلم فارسی «گوزن‌ها» بودند، روی داد. اولاً که سینما رکس آبادان بین ۹۰۰ تا ۹۳۰ صندلی دارد و به خاطر دیدن فیلم جوان‌پسند «گوزن‌ها»، که شب آخر نمایش آن هم بوده است، سالن سینما کاملاً پر بوده، یعنی ۹۰۰ تا ۹۳۰ بلیط فروش رفته بوده است، از آن گذشته، تعدادی کودک چند ماهه تا چهارساله هم هستند که بدون بلیط و همراه با والدینشان به سینما می‌آیند، پس تعداد می‌تواند اندکی بیش از هزار نفر باشد. طبق نوشته‌های روزنامه‌ها اگر فقط ده نفر توانسته‌اند نجات پیدا کنند، در این صورت بقیه که نزدیک به هزار نفر بوده‌اند در آتش سوزانده شده‌اند. ثانیاً اگر بخواهیم حرف رئیس شهربانی را هم قبول کنیم که بایستی نزدیک به هفتصد نفر سوزانده شده باشند، نه ۳۷۷ نفر.

پرده دوم: علت آتش‌سوزی

رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۱: خراب‌کاران سطح سینما رکس را با بنزین «اکتان زیاد» پوشاندند و ناگهان تماشاچیان را به کام آتش کشیدند.

رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۲: چند لحظه پس از شروع فیلم چند ناشناس با استفاده از تاریکی شب، درهای ورودی و خروجی سینما را به آتش کشیدند و گریختند.

رستاخیز ۳۱ مرداد صفحه ۴: اظهارات رئیس شیر و خورشید آبادان: در اواسط فیلم بوده که مردم متوجه می‌شوند از زیر درهای ورودی سالن آتش می‌آید، مردم متوحش به سوی در حمله می‌کنند و درها را بسته می‌یابند؛ چرا که مدیر سینما در سانس آخر در ورودی و هم درهای خروجی سالن نمایش را از پشت قفل می‌کرده که شخصی بدون بلیط وارد نشود.

کیهان ۳۱ مرداد صفحه ۲: وی (رسول رهنما) در مورد اینکه حریق از چه نقطه سینما آغاز شد؟ گفت: شعله‌های آتش یکباره از کناره پرده سینما زبانه کشید که به گفته یکی از دوستانم که از مهلکه نجات پیدا کرده است، از کنار کولر بزرگ سینما آغاز شد.

کیهان ۳۱ مرداد صفحه ۲۷: یک گروه چهار یا پنج نفری تروریست چندین بمب آتش‌زا در سالن سینما رکس آبادان که آتش‌سوزی آن منجر به کشته شدن ۳۷۷ نفر شد کار گذاشته بودند. سرتیپ رزمی، رئیس شهربانی آبادان، که این مطلب را برای فرستاده ویژه خبرگزاری فرانسه فاش کرد، گفت: کسانی که از حادثه جان به در برده بودند گفته‌اند که چهار یا پنج نفر را دیده‌اند که پیش از پایان آنراکت با هم و با عجله از سینما بیرون رفته‌اند، چند دقیقه پس از آن کمی مانده به ساعت ده شب به وقت محلی آتش در گرفت که آثار چهار بمب آتش‌زا در چهار گوشه سینما پیدا شده است. کیهان ۳۱ مرداد (صفحه ۲): گفته رسول رهنما: برای خرید ساندویچ از سالن خارج شدم هنوز چند قدم به بوفه مانده بود که ناگهان صدای فریاد شنیدم: آتش، آتش.

کیهان ۲ شهریور صفحه ۲: گزارش هیأت اعزامی بازرسی نخست‌وزیری: «کانون اول آتش توسط خراب‌کاران بر اثر پاشیده شدن مواد آتش‌زا به دیواره‌های چوبی سالن انتظار پدید آمده است. کانون دوم آتش‌سوزی در انبار لوازم کهنه سینما قرار داشته است. بنا بر همین گزارش، عده‌ای از تماشاگران که تعداد آن‌ها بین سی الی چهل نفر بوده است، توانسته‌اند یکی از درها را بشکنند و موفق به نجات خود شوند.

۱- اگر خراب‌کاران از بنزین اکتان زیاد استفاده کرده بودند که حتماً بوی بسیار تند آن را تماشاچیان احساس می‌کردند.

- ۲- اگر عده‌ای از تاریکی شب استفاده کردند و سینما را به آتش کشیدند، با قفل بودن درها چگونه فرار کردند.
- ۳- گفته‌ی رئیس شیر و خورشید آبادان تا اندازه‌ای درست است. آتش از طرف در به داخل سرایت کرده، ولی اگر قرار بود که مدیر سینما از ورود افراد بی‌بلیط به سینما جلوگیری کند، کافی بود که همان در ورودی آهنی سینما را قفل کند، پس چرا سه در چوبی سالن سینما را قفل کرده بود، از آن گذشته می‌دانیم که آن سه در به سالن انتظار، دستشویی، توالت و بوفه راه دارد، پس اگر کسی خواست از یکی از موارد ذکرشده استفاده کند چه می‌شود؟ و اصلاً برای چه ساخته شده، اگر قرار باشد درها را قفل کنند؟
- ۴- گفته‌ی آقای رهنما مبنی بر اینکه آتش از طرف پرده‌ی سینما شروع شده و به قول دوستش از طرف کولر بزرگ، تنها برای تأیید حرف رئیس شهربانی است که گفت: اثر چهار بمب آتش‌زا را که در چهار نقطه‌ی سینما به کار گذاشته شده بود پیدا کردیم.
- ۵- اگر باقی‌مانده‌ی چهار بمب آتش‌زا را رئیس شهربانی پیدا کرد، چرا آن‌ها را به کارشناسان نشان نداد تا آن‌ها هم پیگیری شود.
- ۶- طبق گفته‌ی رئیس شهربانی: تماشاچیان که جان سالم به در برده‌اند، چهار یا پنج نفر را دیده‌اند که با عجله از سینما خارج شده‌اند. آنچه که رئیس شیر و خورشید آبادان گفت و نیز در روزنامه‌ها نوشتند: سه در ورودی به سالن سینما هم قفل بوده است، پس آن تروریست‌ها از کجا فرار کردند، از آن گذشته دلیلی نداشته که با عجله خارج شوند تا مورد شک واقع شوند.
- ۷- باز بر می‌گردیم به قفل شدن در توسط مدیر سینما؛ لطفاً در این مورد با آقای رهنما تماس بگیرید که چرا دروغ گفته است.

پرده‌ سوم- جریان‌ات آتش‌سوزی از زبان نجات‌یافتگان

- رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۲: در مدت زمانی که شاید از ده دقیقه تجاوز نکرد ۳۷۷ نفر از مردان و زنان و کودکان بی‌گناه زنده زنده سوختند.
- کیهان ۳۰ مرداد (فوق‌العاده ص ۲): کودکانی بودند که در آغوش مادرشان سوخته بودند و این سوختن به صورتی بود که جدا کردنشان مشکل بود. کیهان ۳۰ مرداد ص ۱: در آخرین لحظه در سینما را شکستیم، اما مردم گیج و وحشت‌زده دیگر قدرت فرار نداشتند.
- کیهان ۲۹ مرداد ص ۱: فقط ده تماشاگر توانستند از راه بام سینما جان سالم بدر برند (ص ۲ آن) ← شش تن از آن‌ها سرپایی درمان شده و به خانه‌های خود رفتند.
- ۱- در مدت زمانی کمتر از ده دقیقه ۳۷۷ نفر سوختند (رستاخیز)، ولی در روزنامه‌ی کیهان آمده است: «در آخرین لحظه در را شکستیم اما مردم گیج و وحشت‌زده دیگر قدرت فرار نداشتند.» و در رستاخیز همان ۳۰ مرداد آمده که در ساعت دو بامداد آتش را مهار کردند؛ یعنی پس از ۴/۵ ساعت. در کمتر از ده دقیقه تماشاچیان زغال شدند، پس از چهار ساعت و نیم که آتش مهار شد و به داخل سینما رفتند، عده‌ای هنوز زنده بودند، ولی بر اثر گیجی و وحشت‌زدگی قادر به فرار نبودند، خُب می‌خواستید آن‌هایی را که زنده و گیج هستند به بیمارستان برسانید و بعد هم از آن‌ها تحقیقاتی بکنید (دروغ به این بزرگی!؟) اما چرا دروغ به این بزرگی گفته شده، بماند برای نتیجه‌گیری این نمایشنامه‌ی غم‌انگیز، که البته بی‌ارتباط با جوش خوردن طفلی در سینه‌های مادرش نیست.

۲- فقط ده نفر توانسته‌اند از طریق بام سینما فرار کنند که شش نفر آنها هم پس از معالجه سرپایی روانه خانه شدند. اگر من آبادانی نبودم، شاید این گفته را قبول می‌کردم، ولی می‌توانید بیابید و ببینید که سینما رکس آبادان پشت بام ندارد، بلکه بام آن به صورت شیروانی است. از آن گذشته فکر کنید که حرف شما را قبول کردم، آنهایی که روی پشت بام رفتند به چه وسیله خود را به خیابان رساندند؟ حتماً قبلاً برای آنها نردبان آماده بوده است! اگر هر ده نفر خود را از پشت بام که حداقل ده متر ارتفاع دارد خود را به خیابان پرت کرده باشند، چطور ممکن است شش نفر آنها معالجه سرپایی شوند و چهار نفر بقیه فقط کمی بدنشان سوخته باشد؟

پرده چهارم: مطالب شاهدان عینی و سایرین

رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۴: گفته‌های رئیس شهربانی آبادان: "ولی متأسفانه جریان آتش‌سوزی و شعله‌های حریق به حدی مهیب بود که هیچ‌گونه کاری از دست عوامل آتش‌نشانی ساخته نبود؛ یعنی کارکنان آتش‌نشانی حتی تا پنجاه متری محل هم نمی‌توانستند جلوتر بروند."

رستاخیز ۳۰ مرداد صفحه ۴: (ادامه گفتار رئیس شهربانی) حتی مأموران از دیوار یا نردبان بالا رفته و دیوارها را خراب کردند، ولی با کمال تأسف به هیچ عنوان نتوانستیم نتیجه‌ای را که مایل بودیم از زحمات خود بگیریم.

کیهان ۳۱ مرداد صفحه ۲: محمد احمدزاده (شاهد عینی): "من جلوتر رفتم تا آنها را نجات دهم، اما مانع شدند." کیهان ۳۰ مرداد صفحه ۲: جعفر سازش، که ۵ فرزند یازده تا ۲۳ ساله خود را یکجا از دست داده است، گفت: در حقیقت فرزندانم قربانی شدند. ... می‌شد درهای سینما را حتی با چکش هم شکست، ولی وقتی من فریاد زدم پنج فرزندم دارند می‌سوزند، یکی با چوب مرا از محل حادثه دور کرد و گفت: همه دارند می‌سوزند برو کنار.

۱- رئیس شهربانی شعله‌های آتش را تا فاصله پنجاه متری احساس کرده است، برای همین کاری از دستش ساخته نبوده تا ساعت دو بامداد که آتش را اطفا کردند. لطفاً کروکی سینما رکس را که در روزنامه کیهان، یکشنبه ۲۹ مرداد، نشان داده‌اند خوب نگاه کنید؛ از سمت چپ در فاصله هشت متری، ساختمان دارایی قرار گرفته است که در فاصله ۲۵ متری آن هم شهربانی است، پس باید دارایی و شهربانی آتش می‌گرفتند که حتی دیوارهای آنها هم سیاه نیست، از آن گذشته درخت در دو متری آن هم سالم است، از روبه‌رو که در ده متری، مغازه‌های بزرگ قرار گرفته آنها هم سالم هستند و حتی کمی هم سیاهی ندارند. از سمت راست هم که با خیابان امیرکبیر هم‌جوار است و مغازه‌ها در دوازده متری آن همگی سالم است. از این سمت مأموران دیوار رکس را شکستند، ولی اگر خوب نگاه کنید دور و بر شکستگی‌ها اصلاً سیاهی نیست، یعنی پس از ساعت دو و خاموش شدن آتش، دیوارها را برای نمایش شکسته‌اند - از پشت هم که در پاساژ قرار گرفته و تمام مغازه‌های پاساژ هم سالم هستند. به عکس‌های سینما رکس آبادان در روزنامه‌های رستاخیز (۳۰ مرداد) فوق‌العاده و عادی آن نگاه کنید، در هر دو عکس تمام دیوارهای سینما سالم است و بدون سیاهی، حتی عکس‌های تبلیغاتی فیلم هم سالم است، پس بفرمایید این آتش پنجاه متری در کجا بوده است؟

۲- محمد جعفرزاده هم گفته است که عده‌ای از سینما خارج شدند و بعد در بسته شد. پس در سینما را مدیر سینما قفل نکرده بود، بلکه پس از آتش‌سوزی به دستور رئیس شهربانی قفل شد (شاهدان عینی) و حتی جای قفل دست‌بند‌های پلیس را روی در مشاهده کرده‌اند.

۳- محمد احمدزاده را مانع شدند، چه کسی مانع کمک وی شد؟ همان کسی که در را بست، چه کسی چوب (در حقیقت تعلیمی) را بر سر جعفر سازش، آن پدر داغ‌دیده، زد؟ و به او گفت همه دارند می‌سوزند برو کنار؟ همان کسی

که دستور داده بود در سینما را قفل کنند. همان کسی که به مردم اجازه کمک نداد، همان کسی که آن مرد از خودگذشته را که می‌خواست با ماشینش به در سینما بکوبد، زیر رگبار باطوم قرار داد. بله تمام این‌ها را شاهدان عینی می‌گویند. جالب اینجاست که فردای آن روز مرتب به بیمارستان‌ها تلفن می‌شد که می‌خواهیم بیمارستان را منفجر کنیم. بیماران خود را خارج کنید (رستاخیز ۳۱ مرداد صفحه ۴)، تاکنون خراب‌کاران چند بیمارستان را منفجر کرده‌اند؟ آن‌همه سینما را منفجر کردند چند نفر کشته شد؟ انحراف افکار به سوی خراب‌کاران! آبادان به حق نشان داد که عامل یا عاملین کیست و خوب هم نشان داد، با آن تظاهرات عظیم مقابل شهربانی و سپس فرار رئیس شهربانی از آبادان به تهران. اما مهم‌ترین قسمت تراژدی که وعده آن را دادم: "کودکانی بودند که در آغوش مادرشان سوخته بودند و به بدن آن‌ها جوش خورده بودند". "در آخرین لحظه در را شکستیم، عده‌ای گنج و وحشت‌زده قادر به فرار نبودند." آقای وزیر دادگستری: اجساد سوزانده‌شده خود گویای تمام حقایق بود. ۹۰ درصد اجساد به حالت نشسته سوزانده شده بودند، یعنی قبل از آتش‌سوزی، مسموم کردن تماشاچیان و در نتیجه نداشتن قدرت فرار و ریختن دیوار نازک گچی و یا شکستن درهای چوبی سالن. بلی، مادری که در حال سوختن است، مسلماً بدون اراده بچه را به زمین خواهد گذاشت (انداخت) و این همه جوان در سینما (هر چند که مطبوعات سعی بر این داشت که نشان دهند دو سوم آن‌ها زن و کودک بوده‌اند) نتوانستند درهای چوبی را بشکنند؟ جوانی که از سینما جان سالم بدر برده بود می‌گفت: وقتی از بالکن به طرف در آمدم تا فرار کنم تماشاچیان وسط بی‌خیال نشسته بودند. بیچاره نمی‌دانست که آن‌ها مرده بودند، همان جوان پس از رسیدن به منزل به حالت بیهوشی می‌افتد و قریب ۴۸ ساعت در حال اغما به سر می‌برد. و طبق گفته بسیاری از نجات‌یافتگان، پلیس بسیاری از کسانی را که می‌توانستند نجات پیدا کنند با چوب قانون به زور داخل سینما کرد. کسانی دیگر هم بودند که قبل از آتش‌سوزی به علت داشتن حال تهوع از سینما خارج شده‌اند. اما چرا ساعت دو بامداد پس از چهار ساعت و نیم، آتش را خاموش کردند. برای اینکه تمام اجساد سوخته شود به این امید که اثری از خفه شدن به وسیله گاز سمی معلوم نشود، اما اجساد سوزانده‌شده گویای همه چیز بود.

برده پنجم: عامل فاجعه این نماینده

هاشم عبدالرضا عاشور، اسم جالب و آشنایی برای تمام مردم خرمشهر و تقریباً خوزستان. دیوانه‌ای که گهگاهی هم از خرمشهر به عراق می‌رفته و قاچاق می‌آورده، پرونده او در مراجع ذیصلاح موجود است. راستی آقای وزیر دادگستری: شما که او را همان شب دستگیر کردید (منظورم عمال شماست) و او هم همان شب اعتراف کرد چطور است که پس از گذشت دو ماه، هنوز از اقرار وی و هم‌دستانش خبری نیست؟ نه آقای وزیر دادگستری، مثل اینکه هنرپیشه‌های خوبی را انتخاب نکرده‌اید؛ چون حرف کارگردان را نمی‌خوانند و شاید نمی‌توانند خوب نقش خود را بازی کنند؟ نمی‌دانم شاید یک روز مجبور شوید هنرپیشه‌ها را عوض کنید و یا اینکه اصلاً تم نمایشنامه را، مطمئناً کارگردان خوبی نخواهید شد.

برده می‌افتد اما حقایق نه

آتش

۲۴ مهر ۵۷

*- کارشناس اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضائیه.